

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تهیه و تنظیم: سهیلا

۰۸ جولای ۲۰۱۹

## چشم انداز جنبش واسکت های زرد در فرانسه

در فرانسه، از حدود شش ماه پیش جنبش اعتراضی ادامه داری مشهور به جنبش "واسکت های زرد" در جریان است. این جنبش متشکل از گروه های مختلف اجتماعی شامل کارگران و اقشار فقیر خرده بورژوا است که علیه ریاضت های اقتصادی، نظامی گری و سرکوب پولیس و به طور کلی علیه سیاست های ضدکارگری دولت، دست به تظاهرات و راهپیمائی زده و مبارزه و روشنگری می کنند. (۱)

در سال های اخیر هیچ جنبش اعتراضی در فرانسه به شدت تظاهرات واسکتهای زرد سرکوب نشده است. پولیس فرانسه تقریباً به همه تجمعات واسکت های زرد حمله کرده و تاکنون بیش از ۶ هزار نفر از آن ها را دستگیر و هزاران نفر را مجروح کرده است. دوازده نفر از مجروحان، افرادی هستند که با گلوله های پلاستیکی پولیس نابینا شده اند. در روز شنبه ۲۵ ماه مه ۲۰۱۹ در شهرهای مختلف فرانسه چندین تظاهرات بسیار رادیکال انجام شد که بررسی آنها از نظر شناخت بهتر وضعیت اجتماعی- سیاسی کنونی اروپا و جهان حائز اهمیت می باشد. تظاهرات ۲۵ ماه مه نیز مانند همه تظاهرات واسکتهای زرد، با خشونت شدید پولیس روبه رو شدند. پولیس از آب فشار قوی، گاز اشک آور، گلوله های پلاستیکی، نارنجک صوتی و ... برای متفرق کردن تظاهرکنندگان استفاده کرد و ده ها نفر را دستگیر کرد. این برخورد بسیار خشونت آمیز پولیس را علیه یک جنبش اجتماعی که عمدتاً مسالمت آمیز است باید به مثابه اخطار طبقه حاکم علیه کارگران و جوانان آگاه جدی گرفت. خواسته های واسکتهای زرد در فرانسه و آنچه که برایش مبارزه می کنند، رفع مشکلاتی است که به واقع طبقه کارگر اروپا (و جهان) با آنها روبه رو هستند، مشکلاتی مانند فقر، گرسنگی، بی خانمانی و جنگ و انواع ظلم و ستم طبقاتی که ثمره سلطه سیستم سرمایه داری در بالاترین مرحله خود یعنی امپریالیسم می باشد.

تظاهرات ۲۵ ماه مه ۲۰۱۹ در پاریس به عنوان یکی از مهمترین تظاهرات واسکتهای زرد را می توان یک رویداد سیاسی بسیار مهم خواند. حدود هزار نفر در ساعات اولیه صبح در خارج گورستان پرلاشز تجمع کردند، سپس وارد گورستان شده و تا "دیوار کموناردها" رژه رفتند و در آن جا سرود انترناسیونال را خواندند.

"دیوار کموناردها" یادبود ده ها هزار کارگر و خانواده هایشان می باشد که در سرکوب خونین کمون پاریس در ۱۴۸ سال پیش قتل عام شدند. در ۲۸ ماه مه سال ۱۸۷۱ در جریان سرکوب انقلابیون، ۱۴۷ نفر از کموناردهای پاریس در

مقابل آن دیوار به ضرب گلوله اعدام شده و در گورهای جمعی در پای همان دیوار دفن شدند. سرودخوانی و شعارهای رادیکال و اسکتهای زرد در کنار دیوار کموناردها، نشان دهنده رخنه عمیق سنت های سوسیالیستی در میان طبقه کارگر فرانسه، و بیانگر موضع چپ بخشی از اسکتهای زرد در مخالفت با سیاست های ضدکارگری دولت و نابرابری های اجتماعی است. از رادیکالیسمی که در این تظاهرات دیده شد، می توان نتیجه گرفت که در جریان جنبش اسکتهای زرد، وجود "ورک شاپ" ها و بحث های آموزشی (در محیط کار و زندگی و همچنین در اینترنت) موجب رشد آگاهی کارگران در رابطه با واقعیت های اقتصادی - اجتماعی سیستم سرمایه داری شده، سیستمی که ریشه ستم بر کارگران است، و آن ها به طور طبیعی میان مبارزات کنونی و مبارزات انقلابی در گذشته تاریخی خود (مانند کمون پاریس) شباهت ها و رابطه هائی یافته اند. فراگیری مارکسیسم و درس های به جای مانده از جنبش سوسیالیستی، از جمله کمون پاریس، توسط اسکتهای زرد، در مارش آنان به سمت دیوار کموناردها منعکس شد. اگر یک جنبش اجتماعی به مرحله ای برسد که کاملاً در معرض تأثیرات و میراث جنبشهای کمونیستی قرار بگیرد و کارگران انقلابی بروشنی ببینند که منافع طبقاتی شان با سرمایه داری در تضاد است و اگر در پروسه رشد مبارزات انقلابی، کارگران آگاه و متشکل امکان یابند رهبری جنبش اجتماعی را در دست بگیرند، آن گاه چشم انداز انقلاب و تغییر ریشه نی در سیستم سرمایه داری تنها چیزی خواهد بود که به کارگران و توده های انقلابی امید داده و آن ها را به ادامه مبارزه و حفظ کرامت انسانی شان خواهد کشاند. واضح است که جنبش اسکتهای زرد هنوز به چنین مرحله ای نرسیده است، اما این جنبش در شرایط کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است.

برای بررسی اجمالی جنبش اسکتهای زرد، باید نگاهی به شرایط جامعه فرانسه در زمان شروع این جنبش انداخت. سیاست های اقتصادی - اجتماعی دولت امپریالیستی فرانسه در سال های اخیر منجر به وخیم تر شدن وضعیت اقتصادی و افزایش خشم توده های مردم فرانسه شد. به عنوان مثال، بخشی از سیاست های ضدکارگری دولت فرانسه عبارت است از کاهش مالیات ثروتمندان و صرف صدها میلیارد یورو برای تقویت نیروی نظامی آن. (۲) در همان حال این دولت دست به افزایش قیمت سوخت زد تا بار این هزینه ها را بر دوش کارگران سرشکن کند. در واقع، دولت فرانسه (مانند هر دولت سرمایه داری دیگر) نه تنها مخارج دولت و ارتش و هزینه های مقابله با بحران های اقتصادی خود، بلکه مخارج عمومی اداره جامعه را از غارت دسترنج و سفره فقیرانه طبقه کارگر تأمین می کند.

جنبش خودبه خودی "اسکتهای زرد" اولین بار در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ با تظاهرات سراسری صدها هزار نفر در خیابان ها آغاز شد. این تظاهرات که با پیشنهاد دو راننده کامیون در پاریس (از طریق فضای مجازی) به منظور اعتراض به افزایش قیمت سوخت از طریق بستن جاده ها در سراسر فرانسه صورت گرفت، وحشت از انفجار غیر قابل کنترل خشم توده ها را در محافل دولتی ایجاد نمود. در تلاش برای پایان دادن به اعتراض ها، رئیس جمهور فرانسه ابتداء اعلام نمود که افزایش مالیات بر سوخت (که عامل اولیه شروع جنبش بود) به تأخیر خواهد افتاد. اما حتی با اعلام لغو کامل آن هم، جنبش همچنان ادامه یافت، چرا که جنبش اسکتهای زرد که در اعتراض به افزایش قیمت سوخت شروع شده بود، خیلی فراتر رفته و حال به سطح مطالباتی چون برابری اجتماعی و اعتراض علیه نظامی گری و دیکتاتوری، ارتقاء یافته بود. این ارتقای مطالبات نشان داد که جنبش اسکتهای زرد عمدتاً در دفاع از منافع کارگران می باشد، امری که به واقع نه تنها در فرانسه، بلکه در سطح بین المللی مطرح است. از طرف دیگر، این جنبش را می توان ادامه اعتراضات بین المللی توده ها علیه افزایش قیمت سوخت دانست. چرا که پیش از شروع جنبش اسکتهای زرد فرانسه، در برخی کشورها از جمله در بلغارستان هزاران نفر علیه افزایش قیمت سوخت تظاهرات کرده و جاده ها را مسدود کرده بودند. پس از شروع این جنبش نیز، کارگران بسیاری از کشورهای اروپا در همبستگی با آنها به اعتصاب و بستن

جاده ها پرداختند، به عنوان مثال کارگران بلغارستان و صربستان تظاهرات کرده و جاده ها را بستند، کارگران بلجیم راه های منتهی به پالایشگاه های نفت را مسدود کردند، کارگران دولت و صنایع کشتی رانی یونان، کارگران متروی بوخارست، و کارگران شرکت آمازون و "رایان ایر" در آلمان و سراسر قاره اروپا اعتصاب کردند. حتی در مصر و بسیاری از کشورهای دیگر نیز کارگران و آزادیخواهان به حمایت از واسکتهای زرد تظاهرات کردند.

نگاهی به ترفندهای دولت فرانسه برای خفه کردن جنبش واسکتهای زرد نیز برای کسب تجربه مفید است. یکی از ترفندهای جناح های مختلف طبقه حاکم برای سرکوب جنبش های توده ئی جاسازی نیروهای خود در میان مبارزان و منحرف کردن جنبش از مسیر مترقی و اهداف آزادیخواهانه است. (۳) به عنوان مثال "لورن وویکیه" رهبر حزب جمهوریخواه و "نیکلاس دوپونت اژینان" رهبر حزب دست راستی افراتی "DLF" و برخی نیروهای دست راستی دیگر و رهبران اتحادیه های کارگری زرد با حيله گری اعلام کردند که به تظاهرات واسکتهای زرد می پیوندند. آن ها با این روش فریبکارانه، قصد داشتند که با تقویت نیروهای دست راستی در جنبش واسکتهای زرد، مسیر آن را به طرف مصالح خود جهت دهند، امری که طبیعتاً باعث کاهش حمایت و پیوستن توده ها به این جنبش می گردد. واقعیت این است که ائتلاف دست راستی همیشه تلاش می کنند که جنبش های توده ئی را به سمت منافع طبقاتی خود بکشانند، اما حضور نیروهای دست راستی در جنبش به تنهایی شاخص مترقی نبودن یک جنبش نیست. ماهیت یک جنبش توده ئی با اهداف ریشه ئی آن مشخص می شود، نه با آن چه که طبقات حاکم جهت تأثیر بر آن انجام می دهند.

از همان ابتداء، جنبش واسکتهای زرد از حمایت قابل توجه توده های مردم و کارگران برخوردار شد. اما پیروزی واقعی این گونه جنبش های اعتراضی خودبه خودی توده ها (جنبش هایی مانند واسکتهای زرد، جنبش ضد جنگ، و یا جنبش اشغال وال استریت در غرب، و خیزشهای توده های انقلابی ایران) در گرو ارتقاء و تبدیل آن ها به یک مبارزه سیاسی مستقیم علیه سیستم سرمایه داری و سازماندهی و رهبری مستقل طبقه کارگر بر آن است.

این جنبش از لحاظ اجتماعی ناهمگون است و نه تنها کارگران، بلکه رانندگان مستقل کامیون و اقشار پائینی خرده بورژوازی فقیر را نیز جذب کرده است. با این که ائتلاف ارتجاعی دست راستی نفوذ کرده در میان تظاهرکنندگان اقلیت کوچکی را تشکیل می دهند اما برخی رسانه ها و محافل بورژوائی (مانند اتحادیه های زرد) تلاش کرده اند که با زدن برچسب های دست راستی به آن، این جنبش را از نظر سیاسی تخریب کرده و پیوستن کارگران به این جنبش را متوقف کنند. به عنوان مثال "فدراسیون عمومی کارگران" اطلاعیه هایی را در کارخانه ها منتشر کرده و در آن از قول "فیلیپ مارتینز" (رهبر فدراسیون) با این ادعا که گروه های دست راستی و فاشیست، رهبری تظاهرات واسکتهای زرد را به عهده دارند، از کارگران خواست به آن ها نپیوندند. (۴) البته این ترفندهای ارتجاعی با شکست مواجه گشته است. ثبات و تداوم جنبش واسکتهای زرد و حمایت وسیع توده ها از آن نشان می دهد که واسکتهای زرد به طور خاص و طبقه کارگر به طور عام، اعتباری برای دولت و اتحادیه اروپا و کلیه دستگاه سیاسی حاکم و حتی برای اتحادیه های کارگری زرد قائل نیستند.

از طرف دیگر، پاسخ خشونت آمیز پولیس فرانسه به اعتراضات مسالمت آمیز کارگران، نشان دهنده رشد روزافزون دیکتاتوری طبقه حاکم علیه معترضان است. در ماه مارچ، فرماندار پاریس اقرار کرد که به نیروهای واحد نظامی "ضد تروریسم" اجازه تیراندازی به "واسکتهای زرد" را داده است. اساساً از زمان حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک، طبقه سرمایه دار حاکم در همه کشورهای به بهانه "جنگ علیه تروریسم" به تشدید سرکوب طبقه کارگر پرداخته است. در فرانسه نیز، پس از اعلام وضعیت فوق العاده بعد از حملات تروریستی پاریس در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵،

ارتش فرانسه گروهی از سربازان مسلح را برای سرکوب مخالفان دولت به خیابان‌ها فرستاد که عملاً منجر به تعلیق حقوق دموکراتیک شهروندان فرانسه شد.

برخی بر مبنای دست آوردهای مبارزات تاریخی مردم انقلابی فرانسه، تصور می‌کنند که دولت امپریالیستی فرانسه پرچمدار آزادی است. اما واقعیت این است که طبقه کارگر فرانسه تاریخ انقلابی این کشور را ساخته است، نه دولت مدافع طبقه سرمایه داری آن. نگاهی کوتاه به تاریخچه مداخله ارتش فرانسه در جنبشهای کارگری، این واقعیت را به اثبات می‌رساند که دولت فرانسه همیشه طبقه کارگر را شدیداً سرکوب کرده است. به عنوان مثال با یورش ارتش فرانسه به اعتصاب‌های کارگری سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ بسیاری از کارگران قتل عام شدند. در آن سال‌ها ارتش فرانسه معادن را اشغال کرد و ۳۵۰ هزار معدنی اعتصابی را به گلوله بست که منجر به کشته شدن شش کارگر و زخمی شدن هزاران نفر شد. سه هزار کارگر نیز اخراج شدند. در مستعمرات فرانسه وضعیت کارگران و دیگر آزادیخواهان بدتر از این بود. به عنوان مثال، دولت فرانسه در جنگ ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ در الجزایر به شکنجه و قتل عام بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم آن کشور (که برای کسب آزادی و استقلال خود، علیه استعمار فرانسه مبارزه می‌کردند) پرداخت. در حال حاضر نیز طبقه حاکم بر فرانسه، با بسیج ارتش علیه "واسکتهای زرد" بروشنی نشان می‌دهد که نه تنها قصد تحقق بخشیدن به خواسته‌های اجتماعی - اقتصادی کارگران را ندارد، بلکه هدفش غرق خون کردن این جنبش است. زیر پای گذاشتن آزادی‌های اجتماعی مردم توسط دولت فرانسه به این ختم نمی‌شود. دولت فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، از انتخابات اتحادیه اروپا به عنوان بهانه ای برای تشدید سانسور شبکه‌های اجتماعی (به اسم جلوگیری از انتشار اخبار جعلی) استفاده کردند. در روز یکشنبه ۲۶ ماه مه، شرکت فیسبوک، بزرگترین گروه فیسبوکی وابسته به "واسکتهای زرد" با بیش از ۳۵۰ هزار نفر عضو را با هدف جلوگیری از خبر رسانی‌های آنان بست. گروه فیسبوکی مزبور توسط اعضایش برای اعلام محل تظاهرات و انتشار اطلاعیه‌ها و فیلم‌هایی که سرکوب وحشیانه تظاهرکنندگان توسط پولیس را نشان می‌داد، استفاده می‌شد. به واقع، دولت‌ها برای فریب توده‌ها و به حداقل رساندن اعتراض مردم به نقض آزادی بیان، سانسور در فیسبوک را توسط دولت و سازمان‌های اطلاعاتی خود انجام نمی‌دهند، بلکه این کار را با نام خود فیسبوک انجام می‌دهند. جالب است که فیسبوک، مرکزی را که در دوبلین برای سانسور فیسبوک اروپا ایجاد کرده است "اتاق جنگ" نامیده است. این اسم بامسمائی است، زیرا که سانسور و زیر پای گذاشتن آزادی‌های اجتماعی، بخشی از جنگ طبقاتی سرمایه داران علیه کارگران می‌باشد. کنترل و سانسور رسانه‌های اجتماعی بخشی از یورش گسترده علیه آزادی بیان و حقوق دموکراتیک طبقه کارگر و زمینه سازی برای اعمال دیکتاتوری عریان توسط طبقه سرمایه دار است که خود را در محاصره مبارزات روزافزون طبقه کارگر می‌بیند.

جنبش‌ها و خیزش‌های کارگری که در اروپا در حال توسعه‌اند، اعتراضاتی مانند جنبش "واسکتهای زرد"، فقط با فراگیری آموزش‌های مارکسیستی می‌توانند چشم اندازی انقلابی بیابند، و تنها از این طریق می‌توانند مراحل اولیه برای رادیکالیسم طبقه کارگر جهانی را طی کرده و قدم‌های بزرگی به سوی مبارزات به مراتب بزرگتر آینده در سراسر جهان بردارند.

### زیر نویس‌ها:

(۱) گفته شده که نظرسنجی‌های متعدد نشان داده‌اند که حدود ۷۵ درصد مردم فرانسه از واسکتهای زرد حمایت می‌کنند.

(۲) لینک مطلبی در "فایننشیل تایمز" در رابطه با سیاست مالیاتی دولت فرانسه به نفع ثروتمندها:

<https://www.ft.com/content/3d907582-b893-11e7-9bfb-4a9c83ffa852>

(۳) این ما را به یاد خیزش انقلابی توده های مردم ایران در سال ۸۸ و تلاش جمهوری اسلامی برای شکست آن می اندازد.

Philippe Martinez (۴)

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران  
شماره ۲۳۹ ، خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۸